



نوکرِ نوکر، از نوکری متفر است

به این چرندیات یک چرند گوی بنام "لطیف پدram" دقت کنید و قضاوت به شما هموطنان عزیز:
 " ... من از هر چه تاجیک مزدور و مزدورمنش است بیزارم. چه سیاست مدار، چه تاجر، چه نظامی، چه شاعر، چه نویسنده و..."

من از همه ی مزدورمنشان و نوکرصفتان جهان بیزارم. در هر قاره ی که هستند از هر کشوری که هستند از هر دین و مذهبی که هستند از هر هویت و تباری که هستند..."

بیائید واقعبینانه قضاوت کنیم و قضاوت آخر را هم بسپاریم به تاریخ.

خلقی ها و پرچمی ها، نوکر روس بودند و لطیف پدram نوکر خلقی ها و پرچمی ها.

رشید دوستم، نوکر خلقی ها و پرچمی ها بود و لطیف پدram، نوکرِ نوکر.

احمدشاه مسعود نوکر ایران و تاجکستان و روسیه بود و لطیف پدram، نوکر او.

محمد محقق نوکر ایران و روسیه بود و لطیف پدram نوکر او.

پس دیده می سود که لطیف پدram که تمام زندگی ذلت بار خود را نوکرِ نوکرِ نوکر بوده است، امروز از مزدورمنشان گویا بیزار است.

آخر او حق دارد از "مزدورمنشان" بیزار باشد، به زعم او نوکرِ نوکرِ نوکر باش، اما نوکر منش و مزدور منش نباشد. اگر می باشی، بگفته عوام، یکی باش و پخته باش، درست مثل لطیف پدram، مزدورِ مزدورِ مزدور.

میگویند: یا مرد باش یا نوکر مرد!

اما این لطیف پدram از نطفه نطفه، نننها که مرد(به معنی واقعی آن) نبود است، بلکه حتی نوکر مرد هم هرگز نبوده است. او در تمام عمر نکبتبار خود، همیشه نوکر نامردترین ها بوده است.

بگذار امروز از نوکری و نوکرصفتی و مزدورمنشی، بنالد و داد و فریاد راه اندازد و گلو پاره کند. این متاع قلب را بهتر است در یک بازار دگر سودا کند که دیگر اینجا خریداری ندارد.

این دو کار بر نیاید از هیچ فرد

مردی از نامرد و نامردی ز مرد